

متن پرسش

سلام علیکم خدمت استاد: سوالات و شبهاتم راجع به عدل الهی، تمامی ندارد به طوری که روز به روز محبتم نسبت به خدا کمتر می شود. اگر امکان دارد مرا به جایی ارجاع ندهید و اگر جوابی دارید خودتان مستقیماً جواب بدهید؛ البته این درخواست به دلیل تنبلی ام در رجوع نیست بلکه به خاطر این است که آن ارجاعات شما جوابگوی حقیر نیست. صوت های «عدل الهی» و «قضا و قدر» و صوت های «پوچی و اضطراب برای چه؟» و «برای چه خدا ما را خلق کرد؟» را کامل گوش کرده‌ام؛ همچنین جزوه و مباحث جبر و اختیار را هم مطالعه کرده ام ولی قانع نشدم. در تمام کتابها و مقالاتی که راجع به عدل الهی نوشته شده و در تمام صوت هایی که از شما گوش کرده ام، بحث فلسفه‌ی خلقت و ضرورت خلقت مطرح شده؛ در صورتی که شبهاتی که ما جوان را حیران و آشفته کرده، چیزهای دیگری است و آن بحث «چگونگی خلقت» است: ۱. شما می فرمایید که خداوند، حکیم است و حکمت، همان رعایت کردن رجحان هاست و حکیمی که می تواند بیافریند و می تواند نیافریند، می آفریند چون آفرینش رجحان دارد و ارزش در وجود است و خلقت، نه در نیستی و عدم. و اینکه نیافریدن برای خدایی که فیاض است، بخل است و خداوند هم بخیل نیست. تا این جا درست، ولی: چرا باید بار مسئولیت و سختی ها و رنج های انسانیت را بر دوش من بگذارد؛ او می توانست مرا یک فرشته خلق کند یا یک کبوتر، در این صورت دیگر این بار کمر شکن و این سختی ها بر دوشم نبود و چیزی هم از فیاض بودن و خالق بودن خدا کم نمی شد. خواهشاً بحث کمال را مطرح نکنید که گول زدن ما جوانان بی چاره است! کمالی که باید قبلش هزاران بلا و سختی و مکافات بکشی، دیگر کمال نیست بلکه عین عذاب است! اختیاری که ما را سرگردان و حیران کند و در آخر به عذاب قبر و جهنم بکشاند از صد تا جبر هم بدتر است. ما را جبر هم که شده سر به راه کن خیری ندیده ایم از این اختیار ها اگر خیلی ارحم الراحمین است و خلاصه خیلی ادعایش می شود، پس چرا ما را مستقیم به بهشت نبرد؟ آیا چیزی از خدا بودنش کم می شد؟ چیزی از خالق بودنش کم می شد؟ چیزی از فیاض بودنش کم می شد؟ چیزی از حکیم بودنش کم می شد؟ چرا ما را در این دنیا خلق کرد تا اینهمه سختی و رنج بکشیم؟ من بهشتی را که با سختی ها و رنج ها و بدبختی ها باید به دست آورم، نمی خواهم! همان جهنم برایم بهتر است تا اینکه دلخوش کنم که خدا کریم است در این دنیا سختی و ذلت بکش و آن دنیا برو بهشت و از این حرفها. من این بهشت و این انسانیت خفت بار را نمی خواهم. احساس می کنم که مثل خداوند با خلقت انسان، مثل همان انسانی است که پرنده ای را در قفس می کند و جلویش هم گاهی آب و دانی می ریزد تا از دیدن آن لذت ببرد. ۲. خدایی که می داند این بنده ای که

دارد خلقتش می کند، عاقبتش جهنم است پس چرا او را خلق می کند اگر ادعا می کند که خیلی رحمن و رحیم است؟ خدا این همه دردسر به بشر داده تا خودش را ثابت کند و الا چرا باید بشری را خلق کند که خودش می داند ظلم ها به یکدیگر می کنند و اینهمه کشت و کشتار و این همه بدبختی و فقر و این همه خون و خون ریزی. ۳. چرا خداوند، عذابش برای ظالمان فقط مختص پیشینیان است؟ فرعون، قوم عاد و ثمود و لوط و... این همه ظلم های بزرگی که دارد صورت می گیرد از کودک کشی در یمن گرفته تا آتش زدن مسلمانان میانمار، آیا برای خدا کافی نیست تا عذابش را بر ظالمان نازل کند؟ می دانم جوابتان چیست! لابد می خواهید مثل همیشه پای انقلاب اسلامی را وسط بکشید و بگویید که عذاب خدا برای ظالمان، همین انقلاب اسلامی است! یا شاید می خواهید بگویید که آن ظالمان و مستکبرین عالم، بیایند و سیر مطالعاتی شما را بخوانند و یا تفسیر المیزان بخوانند و معرفت النفس را شروع کنند! ظاهراً در آخرالزمان همه چیز وارونه گشته حتی سنت های الهی که از آن دم می زنید! چرا خدا به جای اینکه عذابش را بر عربستان کودک کش و یا بر نجومی بگیران و دزدان دولتی نازل کند، عذابش را بر مردم کرمانشاه و کپر نشینان سیستان نازل کرده است؟! ۴. در روایت هست که: «اگر شما گناه نمی کردید خداوند قومی را می آفرید تا گناه کنند و او ببخشاید» اگر گناه کردن ما موجب ظاهر شدن اسم غفار و اسم ستار خداست پس دیگر چرا ما گناه نکنیم؟ ۵. اختیار در جایی حکمت است که راه حق از باطل روشن باشد ولی شواهد نشان می دهد که تاریک ترین راه، راه دینداری است که انسان را به حیرت وادار می دارد سپس به ناکجاآباد می کشاند. راه حقی که تاریک باشد و پر از شبهه ها، چه به درد من می خورد. لابد باید سیر مطالعاتی سایت را شروع کنیم! روزگار آشفته‌ی جهان نشان می‌دهد که خداوند، جهان را به حال خودش رها کرده است! این همه فقیر و گرسنه در جهان است آن وقت شما کتاب جایگاه رزق انسان در هستی می نویسی! ۶. مگر خدا با انسان دشمنی دارد که می گوید: و لو شئنا لاتینا کل نفس هداها ولكن حق القول منی لاملان جهنم من الجنة و الناس اجمعین! ۷. انسانی که قوه‌ی شهوت و غضب در او هست، چرا خداوند باید قوانین هستی را طوری بچیند که با کوچکترین غفلت، یک عمر پیشیمانی به بار آید مثل تصادفات رانندگی؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. شما که تا این جاها فکر کرده‌اید خوب است که نسبت به «امکان» که هر موجودی در ذات خود دارد فکر کنید و تحقق آن امکان که به خود انسان مربوط است. خداوند کسی را فرشته یا کبوتر نکرده است، بلکه ذات هرکس امکان انسان شدن یا فرشته شدن یا کبوتر شدن است. خداوند به آن امکان، وجود می‌دهد. پس اگر ما را آن طور که شما می‌گویید از همان ابتدا به بهشت ببرد، در واقع جواب امکان ما را نداده است و ما را به بهشت نبرده. تنها با به فعلیت رسیدن امکان ما، ما به نتیجه‌ای که مربوط به خود ما است می‌رسیم.

۲. خداوند طلب ذاتی مخلوق را به او می‌دهد و بهشتی شدن و جهنمی شدن به عهده‌ی خود اوست که

چگونه آن امکان و بالقوه‌گی را جهت دهد.

۳. به این نکته فکر کنید که همه‌ی مظلومان عالم اگر بدانند با این ظلم‌ها که می‌کشند، عملاً عامل دفع ظالم می‌گردند؛ آیا خود را سربازی نمی‌یابند که در جنگ به ظالم قرار گرفته باشند؟ آیا کودکانی که توسط فرعون کشته شدند عملاً سربازانی نبودند تا فرعونیت فرعون را نمایان کنند و انگیزه‌ی مبارزه‌ی بنی‌اسرائیل با او را به میان آورند؟ علی اصغر «علیه‌السلام» به همان اندازه برای نهضت کربلا نقش آفرین نبود؟ آیا آن جناب ضرر کردند که در کودکی مظلومانه شهید شدند؟ البته این موضوع، بحث مفصلی را می‌طلبد که جناب ابن‌عربی در فص «موسوی» فصوص الحکم به میان آورده است. ولی همین اندازه هم خوب است که در مورد این نکته فکر کنید.

۴. شاید با طرح روایت مذکور، خواسته‌اند متذکر این امر باشند که ما با گناه‌کردن مایوس نشویم و با توبه به اسم غفار حضرت ربّ العالمین رجوع داشته باشیم، وگرنه همه‌ی دین برای دوری از گناه است.

۵- با آن‌همه آشفتگی که در این عالم هست، آیا اگر مسیر دینداری طی شود، در این عالم مأواهای متنوعی نیست که ما در آن قرار گیریم؟ امروز صبح بر سر مزار شهید مدافع حرم جناب جواد محمدی در گلزار شهدای دینان به همین فکر می‌کردم که چه اندازه مأواهای متنوعی خداوند در مقابل ما گشوده است. شهید محمدی‌ها در حیات خود همه‌ی تلاششان این بود تا متذکر حقیقتی شوند که در عالم گشوده شده است و به همین مسرور بودند که انسان‌ها را با آن حقیقت آشنا کنند. و عجیب است که با زائر مزار خود همان کار را می‌کنند که در حیات خود انجام می‌دادند. آیا این شهداء از این‌که چنین مأوایی برای انسان‌ها هستند، مسرور نمی‌باشند؟ و مثل همان زمان که در دنیا با هدایت انسان‌ها دلشاد بودند، با این نوع مأواشدن دلشاد نیستند؟

۶- حضرت حق می‌فرماید این‌طور نیست که چیزی بر من حاکم باشد ولیکن حقیقی‌ترین سنت آن است که با نظر به ابعاد منفی انسان‌ها، جهنم را با چنین انسان‌هایی سرریز کنم زیرا خواست خدا، خواست حکیمانه است و در راستای همان حکمت تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند.

۷- به نظر بنده این‌طور نیست که خداوند با کوچک‌ترین غفلت همه‌چیز را تمام نماید. در تصادفات هم به این فکر کنید که تقدیر طرف او را به این‌جا کشانده است و زندگی او به انتها رسیده است. موفق باشید